

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

فتنه در لغت و قرآن

سوال:

به چه دلیل می‌گوییم معنای کلمه فتنه در این آیه شرک است؟ و اصلاً از نظر لغوی، فتنه در جاهای مختلف قرآن در چه معنایی به کار رفته است؟

جواب:

کلمه فتنه در چندین جای قرآن استفاده شده است و هر جایی هم به یک معنا به کار رفته است. اینطور نیست که بگوییم اگر در قرآن کلمه فتنه در یک آیه معنایی دارد، در تمام آیات دیگر هم، در همین معنا استعمال شده است. بلکه باید دید آن کلمه در چه آیه‌ای استعمال شده و قراین درون آیه‌ای و برون آیه‌ای مربوط به آن کلمه را بررسی کنیم تا بفهمیم مراد از آن کلمه در آن آیه چیست؟

کلمه فتنه از ریشه فتن و فتن است و در قرآن کریم مجموعاً در نه معنا استعمال شده است، که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

1- سوخته شدن:

عرب در جایی که طلا را ذوب می‌کنند تا طلای خالص از ناخالص جدا شود، تعبیر به فتن می‌کند. روی این حساب یکی از معانی فتنه، "سوخته شدن" و "سوزاندن" و "در آتش قرار گرفتن" است. یعنی در جایی که آتشی باشد و چیزی در آن بسوزد، تعبیر به فتنه می‌شود.

در آیه شریفه 10 از سوره مبارکه بروج فتنه به این معنا استعمال شده است.

(إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَ لَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ)؛ یعنی آنهایی که مومنین و مومنات را سوزاندند...

همچنین در آیه 13 از سوره ذاریات.

(يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ)؛ روزی که کفار در آتش سوخته می‌شوند.

آیه 14 ذاریات نیز می‌فرماید:

(ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ) □

2- بلا و عذاب:

آیه 25 سوره انفال فتنه را به معنای عذاب گرفته است.

(وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ)؛ بپرهیزید از عذابی که می‌آید و فقط کسانی را که ظلم کرده‌اند شامل نمی‌شود. بلکه دیگران را نیز شامل می‌شود و وقتی عذاب فرا رسد همه را فرا می‌گیرند.

عذاب یکی از مصادیق مهمش سوزاندن و سوختن است و این معنا به معنای اول نزدیک است.

همچنین است آیه 10 عنکبوت:

(وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَ لَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْ لَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ)

در سوره صافات، آیه 63 که در مورد شجره زقوم است می‌خوانیم:
(إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ)؛ ما این را وسیله عذاب برای ظالمین قرار دادیم.
فتنه در اینجا به معنای عذاب آمده است.

3- فریب:

آیه 27 سوره اعراف می‌فرماید:

(يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ)؛ ای بنی آدم شیطان شما را فریب ندهد.

4- گمراهی:

در آیه 41 سوره مائده آمده است:

(وَ مَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا)؛ کسی که خدا اراده کند فتنه او را...
یعنی گمراهی او را، این از بابا توفیق است. منظور این است که باب توفیق به روی او بسته شود.

5- آزمایش:

سوره تغابن آیه 15 می‌فرماید:

(إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ)؛ یعنی سبب برای آزمایش شماست.

سوره فرقان آیه 20:

(وَ جَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً)؛ بعضی را وسیله آزمایش بعض دیگر قرار دادیم.

سوره عنكبوت آیه اول:

(أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ)؛ آیا گمان می‌کنند آزمایش نمی‌شوند؟

سوره طه آیه 40:

(وَقَاتِلْتَ نَفْسًا فَفَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا)؛ اینجا هم به معنای آزمایش آمده است.

پس به معنای آزمایش هم در قرآن کریم استعمال شده است.

6- جنون:

(بِأَيِّكُمْ الْمَفْتُونُ)؛ أي المجنون، أي الذي فُتِنَ بالجنون.

فتن در لغت

در کتاب مقایس اللغة راجع به کلمه فتنَ یا فتنه، می‌گوید: أصل صحيح يدلّ على ابتلاء و إختبار. فتنن الذهب بالنار (إذا امتحنته)؛ دلالت بر ابتلاء و اختبار دارد.

در تهذیب اللغة در ماده ف ت ن: جماع معنى الفتنه في كلام العرب، الابتلاء و الإمتحان. در عرب قدر جامع بین معانی فتنه ابتلاء و امتحان است. جایی که آزمایش یا عذاب یا فریب یا گمراهی یا جنون و... باشد، یعنی جایی که ابتلائی باشد.

کتاب التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تألیف مرحوم مصطفوی است. ایشان در این کتاب بسیار زحمت کشده‌اند و طلاب باید با این کتاب ارتباط داشته باشد. ایشان در مورد لغات قرآن و در معانی الفاظ بسیار دقت کرده‌اند. هر چند گاهی اجتهاد در لغت کرده‌اند که اجتهاد در لغت درست نیست.

مرحوم مصطفوی در این کتاب و در جلد 9 صفحه 23 آورده‌اند: إن الاصل الواحد في المادة هو ما يوجب اختلالاً مع اضطراب. فما أوجبه هذين الأمرين، فهو فتنة؛ اصل این ماده دارای دو قید است: فعلی که موجب اختلال باشد. (به هم بریزد) و اضطراب در آن باشد.

آنچه موجب این دو امر می‌شود، یعنی هم اختلال و ثابت نبودن، و هم اضطراب فتنه است.

اضطراب معنایی غیر از اختلال دارد. اضطراب به معنای ثابت نبودن نیست و معنایش از اختلال شدید تر است. مثلاً کسی که در لبه جایی بلند یا پرتگاه قرار می‌گیرند و دارد پرت می‌شود را مضطرب می‌گویند. فتنه هم شامل اختلال و هم شامل اضطراب است. یعنی فعلی که این دو قید را دارد.

ایشان می‌فرمایند:

لها مصادیق، فتنه مصادیق مختلفی دارد: اموال، اولاد، اختلاف در آراء. غلو، عذاب، کفر، شرک و...
مثلاً شرک موجب این دو امر می‌شود. کسی که مشرک باشد هم اختلال در او وجود دارد و هم اضطراب. جایی که عذاب باشد هم اختلال در آن وجود دارد و هم اضطراب. اموال هم همینطور مال‌ها با هم مخلوط می‌شود و برای انسان مشکل بوجود می‌آورند. ایشان می‌فرمایند در همه این موارد این دو قید وجود دارد. مال و اولاد زندگی انسان را مختل می‌کنند و گاهی مضطرب می‌کند. یعنی قابلیت این را دارند که محلّ و موجب اضطراب باشند.

مرحوم مصطفوی، بحثی دیگر نیز دارند و آن فرق بین فتنه و اختبار و ابتلاء و امتحان است. ما غالباً این چهار عبارت را، عبارة اخراى هم می‌گیریم و خیلی بینشان فرق نمی‌گذاریم. ایشان می‌فرماید بین اینها فرق وجود دارد.

الاختبار من الخبر و الخبر بمعنى الإطلاع النافذ؛ اطلاع عمیق را عرب خبرویت می‌گوید، که ما گاهی اوقات استفاده می‌کنیم.

والابتلاء من البلو، البلو بمعنى إيجاد التحول و التقلب؛ ایجاد دگرگونی و قاطی کردن.

الامتحان من المَحَن و هو دأْبٌ و جدُّ في العمل حتى يتحصَّل الخبر و النتيجة؛ امتحان آن است که انسان در عمل کوشش بکند تا به خبر برسد.

الفتن: ایجاد الاختلال و الاضطراب.

این هم فرقی است که ایشان بین این چهار تا با توجه به ماده اینها ذکر فرموده‌اند.

در مورد آیه شریفه 35 سوره انبیاء:

(كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً وَ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ)

ایشان اینطور معنا می‌کنند:

ونبلوکم بالشر و الخير فتنه‌ای نوجد فیکم تحولا و تقبلاً. ابتلا از بلو و به معنای ایجاد تحول و تقلب است. پس معنی این می‌شود: ما ایجاد می‌کنیم در شما تقلب و تحولی را...

فی جریان حیاتکم، لاجل تحقق الافتئات و الفتنه، توجب تحولا إلى خير أو الى شرّ...؛ برای اینکه فتنه ایجاد شود. فتنه نیز اختلال نظم در حیات است. یعنی نظم حیات و زندگی به هم بخورد.

نقد مرحوم مصطفوی

با اینکه ایشان در بیان این معنا خیلی زحمت کشیده‌اند، اما نمی‌توانیم بگوییم این اختلال و اضطراب حتما باید در موارد فتنه باشد. با تکلف شاید بتوان گفت، فتنه چیزی است که موجب اختلال و اضطراب می‌شود، ولی آن مطلب نوعی اجتهاد است که ایشان در لغت کرده‌اند.

این مطالب بیان شد تا بدانیم کلمه فتنه در چه معانی در قرآن و لغت استفاده شده. حالا آیا مواردی چون سوزاند و عذاب و فریب دادن و جنون و... آیا قدر مشترکشان اختلال و اضطراب هست یا خیر؟ به نظر ما خیر، مشکل است و نمی‌توان این قدر جامع را از این موارد استفاده کرد. مخصوصاً در آیه شریفه (وَ نَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً)^[1]، که فتنه تمیز برای نبلوکم است، یعنی ما با خوبی و بدی شما را امتحان می‌کنیم چه امتحانی. ما با شر و خیر شما را به صورت یک امتحان عادی امتحان نمی‌کنیم؛ بلکه امتحان، امتحان سنگینی است. فتنه در اینجا به معنای آزمایش است. اما اگر بخواهیم بگوییم نبلوکم یعنی: نوجد فیکم تحولا او تقلبا یسیر الی خیر او شرّ، این خیلی تکلف دارد.

نکات دیگری نیز در فرمایش ایشان هست که از مجال بحث خارج است.

معنای فتنه در آیه محل بحث

فتنه در آیه «قاتلوهم حتی لا تكون فتنه» در چه معنایی استعمال شده است؟ ابتدا باید دو نکته یا قاعده یا دو اصل را در مورد قرآن بیان کنیم:

نکته اول:

ممکن است لفظی ده بار یا بیست بار در قرآن استعمال شده باشد و هر بار در یک معنا استعمال شده باشد. حتی شاید بتوان ادعا کرد که هیچ لفظی در دو جای قرآن دقیقاً به یک معنا استعمال نشده است. هر دو جایی که یک لفظ استعمال شده در یک جا خصوصیتی دارد که در جای دیگر نیست و بالعکس، و این از اعجاز قرآن است. بشر عادی به این نکات و دقائق و ظرائف نمی‌تواند احاطه داشته باشد. لذا لفظی که در اول کتاب خود استفاده می‌کند تا آخر کتابش از آن لفظ همان معنا را اراده می‌کند. اما در قرآن اینچنین نیست. و لزوماً یک لفظ نباید به معنای واحد استعمال شده باشد. علمایی از اصولیون هستند که ادعا دارند اصلاً هیچ لفظی نیست که در دو جای قرآن با نفس معنا استعمال شده باشد. بلکه حتماً یک جا خصوصیتی دارد که در جای دیگر ندارد. پس اگر کلمه فتنه در جایی به معنای عذاب استعمال شد، نمی‌توان گفت در جای دیگر هم باید حتماً به همین معنا باشد. دلیلی بر این امر نداریم، بلکه بر خلافش دلیل داریم. تتبع در قرآن نشان می‌دهد که خداوند متعال از لفظ واحد در جاهای مختلف، معانی مختلفی اراده کرده است. مثلاً اگر کلمه حَرَج یا کلمه زینة را تتبع کنیم، به همین نتیجه می‌رسیم. مثلاً در مورد کلمه زینت، برخی از آیات دلالت دارد بر «انما اولادکم زینة» و برخی دیگر دلالت دارند بر «خذو زینتکم عند کل مسجد». زینت در آیه اول معنایی دارد و در آیه دوم معنای دیگر دارد. و در جاهای دیگر هم معانی غیر از این دو معنا دارد. نمی‌توان گفت این دو آیه را کنار هم بگذاریم و زینت را در هر دو آیه به یک معنا بگیریم. برخی بزرگان گفته بودند با ضمیمه کردن این دو آیه می‌فهمیم باید بچه‌ها و اموال را به مسجد آورد. الفاظ زیادی داریم که در قرآن چنین هستند.

البته همانطور که یک کلمه می‌تواند در دو جای قرآن در دو معنای متفاوت استعمال شده باشد، می‌تواند در دو مصداق متفاوت نیز استعمال شده باشد. یعنی کلمه یک معنی داشته باشد ولی دو مصداق از آن اراده شده باشد. نتیجه آنکه هر چند فتنه در قرآن در چند جا به معنای عذاب استعمال شده است، ولی این دلیل نمی‌شود اینجا هم در معنای عذاب استعمال شده باشد.

نکته دوم:

ممکن است یک لفظ در چند معنا استعمال شده باشد. اینکه در اصول می‌گویند استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد جایز نیست، باز مربوط به ما می‌شود. اما در قرآن کریم، مواردی داریم و آیاتی داریم که یک آیه در چند معنای مختلف، منتها با بیان‌های مختلف و مثلاً با تغییر موضوع، می‌تواند استعمال شود و مراد واقعی خداوند هم باشد و منافاتی هم در بین نیست.

در آیه محل بحث «قاتلوهم حتی لا تكون فتنة» در اینکه فتنه چیست سه احتمال وجود دارد:

احتمال اول:

برخی نادر گفته‌اند: چون کفار مسلمانان را شکنجه می‌کردند و عذاب می‌کردند، خدا فرمود با اینها جنگ کنید که دست از عذاب

مسلمانان بردارند و مسلمانان را شکنجه نکنند. شاهد آنها هم آیاتی است که کلمه فتنه در آن آیات به معنای عذاب استعمال شده است. مثلاً:

(وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ)^[2]

یا آیه کریمه:

(إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ)^[3]

احتمال دوم:

گفته‌اند فتنه یعنی نقشه شومی که کفار علیه مسلمانان می‌کشیدند. توطئه کفار و فتنه کفار که خود ما فارسی زبانان فتنه را در این معنا استعمال می‌کنیم. یعنی این مسلمانان باید بروند سراغ کفار و با کفار بجنگند تا کفار علیه آنها توطئه نکنند و بر علیه شان نقشه نکنند.

احتمال سوم:

مراد از فتنه در آیه «و قاتلوهم حتی لا تكون فتنة» شرک است. شرک به عنوان یکی از مصادیق فتنه می‌باشد. خداوند تبارک و تعالی می‌گوید باید با کفار بجنگید تا شرکی در کار نباشد. یعنی یا کفار مسلمان شوند و شرک کنار برود و یا کشته شوند. اگر فتنه را به معنای شرک گرفتیم، هم جهاد ابتدایی از آن استفاده می‌شود و هم در بحث مربوط به مهدویت می‌توان از آیه استفاده کرد.

ما هم شاهد قرانی داریم که فتنه در شرک استعمال شده است:

دو مورد استعمال کلمه فتنه در شرک

1. آیه 91 سوره مبارکه نساء:

(كُلَّمَا رُدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكَسُوا فِيهَا).

بعضی از کسانی که مسلمان شدند ولی اسلامشان اسلام ظاهری است، هر زمان که کفار اینان را به فتنه دعوت می‌کنند، با سر داخل آن می‌شوند. کنایه از اینکه با تمام وجود دوباره شرک را می‌پذیرند. در «کلمه ردو الی الفتنه» که نمی‌توان فتنه را به عنوان عذاب و آزمایش معنا کرد. هیچ معنایی ندارد جز معنای شرک. و این آیه (سوره نساء، آیه 91) هم در بحث قتال است. یعنی از آیاتی است که هم فتنه به معنای عذاب در آن آمده و هم در مورد قتال است. گاهی فتنه را به معنای عذاب می‌گیریم ولی ربطی به قتال ندارد. «و اتقوا فتنه لا تصيبن الذين ظلموا». یا «انا جعلناها فتنه للظالمين» که راجع به شجره زقوم است و به معنای عذاب آمده است، ولی ربطی به قتال ندارد.

ادعای ما این است در آیه 91 سوره نساء اولاً کلمه فتنه به معنای شرک است، و ثانیاً آیه مربوط به قتال و جنگ است.

2. آیه 14 از سوره مبارکه احزاب:

خداوند متعال در آیه سیزدهم سوره احزاب به آنان که در میدان جنگ بودند، می‌گوید:

(وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنَّ

در جبهه‌ها نمانید و برگردید. برخی بدون اجازه پیغمبر(ص) برگشتند و برخی به پیامبر(ص) عرض کردند: ان بیوتنا عوره. خداوند می‌فرماید: و ما هی بعوره؛ اینها دروغ می‌گویند و خانه‌هایشان بی حفاظ نیست.

بعد در آیه 14 می‌گوید:

(وَلَوْ دَخَلَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سَأَلُوا الْفِتْنَةَ لَآتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُوا فِيهَا إِلَّا بَسِيرًا)

و لو دخلت عليهم من اقطارها؛ اگر کفار از اقطار مدینه به اینها هجوم بیاورند. ثم سئلوا الفتنة؛ یعنی کفار از اینها بخواهند مشرک شوند. لاتوها؛ اینها قبول می‌کنند و فتنه را می‌پذیرند. وما تلبثوا بها الا يسيرا؛ و در پذیرتن فتنه، فقط اندکی درنگ می‌کنند و زود می‌پذیرند.

اینجا قضیه مربوط به قتال و جنگ است و کلمه فتنه در شرک استعمال شده است. پس دو جای قران هست که فتنه به معنای شرک استعمال شده و آیات در هر دو جا در موضوع قتال است.

برخی ادعا دارند در قران هیچ گاه فتنه به معنای شرک نیامده است. همه جا یا به معنای آزمایش آمده یا عذاب و یا شکنجه و... اما به معنای شرک نیامده است. اما این دو آیه که بیان شد در همین معناست و حرف آنها را نقض می‌کند.

روایت ذیل آیه

شیخ طوسی در کتاب تبیان، ذیل تفسیر آیه 191 از سوره مبارکه بقره، این روایت را نقل کرده است:

روی أن هذه الآية نزلت في رجل من الصحابة؛ این آیه در مورد مردی از مسلمانان است که: قتل رجلا من الكفار في الشهر الحرام؛ مردی از کفار را در ماه حرام کشت. فعابوا المومنين بذلك؛ مومنین او را مقداری مورد عیب قرار دادند و گفتند چه کاری بود که در شهر حرام کافری را کشتی. فبين الله سبحانه: ان الفتنة في الدين و هو الشرک، اعظم من قتل المشركين في الشهر الحرام؛ روایت می‌فرماید که خدا بوسیله این آیه (آیه 191 از سوره بقره) بیان کرده است که: (الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ)؛ شرک از قتل بدتر است. فتنه در دین کجا و کشتن یک کافر در شهر حرام کجا. خدا بوسیله این آیه می‌خواهد بگوید این آدم کار درستی کرده است.

برخی فتنه را به معنای شکنجه می‌گیرند. به آنها می‌گوید پس الفتنة اشد من القتل را چگونه معنا می‌کنید؟ آیا معنا می‌کنید شکنجه از قتل سخت تر است. این معلوم است که شکنجه از قتل اشد و سخت تر نیست. آنها در پاسخ می‌گویند: معنا این است که شکنجه همراه با توطئه اشد از قتل است. در حالی که این معنا با این مقام هیچ تناسبی ندارد. در آیه 191 سوره مبارکه بقره که «الفتنة اشد من القتل» آمده است و بعد آمده است «وقاتلوهم حتی لا تكون فتنة»، آنجا مسلم است که این دو فتنه با این قرینه که آیات مربوط به قتال هستند، یک معنا دارند و نمی‌شود فتنه را به معنای شکنجه و توطئه دشمن معنا کرد. باید فتنه را به معنای شرک معنا کرد. در روایتی دیگر نیز ابن عباس و حسن از امام باقر(ع) نقل کرده‌اند و در کتب تفسیری هم آمده است که فتنه به معنای شرک است.

لذا، سخن رشید رضا در تفسیر المنار را که گفته است فتنه نمی‌تواند به معنای شرک باشد و با سیاق آیات سازگار نیست، نمی‌توان پذیرفت. اتفاقاً آنچه با سیاق آیات سازگار است معنای شرک است.

اما روایت عیاشی:

این روایت در جلد 20 صفحه 60 از کتاب تفسیر عیاشی از زراره نقل شده است:
قال ابو عبد الله(ع): سئل ابي عن قول الله تعالى: (قاتلوا المشركين كافة كما يقاتلونكم كافة حتى لا تكون فتنه و يكون الدين كله لله)؛ سوال شد معنای این آیه چیست؟

در اینجا آمده امام باقر(ع) فرمود:
انه لم يجئ تأويل هذه الآية؛ تأویل این آیه هنوز نیامده.

تأویل تحقق عینی آیه می‌باشد و غیر از تفسیر است که بیان مفهومی آیه می‌باشد. تأویل یعنی تجسم عینی و تحقق خارجی آیه.

سپس امام باقر(ع) می‌فرماید:
ولو قد قام قائمنا بعده، سیری من یدرکه ما یكون من تأویل هذه الآية؛ وقتی حضرت قیام کند آن کسانی که حضرت را درک می‌کنند تأویل آیه را می‌بینند.

و لیبلغن دین محمد(ص) ما بلغ اللیل؛ می‌بیند که دین پیامبر ابلاغ می‌شود و می‌رسد به هر نقطه‌ای که شب به آنجا رسیده است.

در این تشبیه دو نکته هست.
یک نکته این که دین همانند شب فراگیر می‌شود. برخی جاهای زمین هست که روز، و نور خورشید به آنجا نمی‌رسد، مانند غارهای عمیق و تاریک. اما جایی در زمین را نداریم که شب به آنجا نرسد. تاریکی به همه جا ممکن است نفوذ کند.

نکته دوم این است که می‌خواهد بگوید: هر جایی را که ظلمت می‌رسد، دین فرا خواهد گرفت. چون شب دلالت بر تاریکی دارد.

سپس حضرت غایت را هم بیان می‌کنند:
حتى لا يكون شرك على ظهر الارض؛ تا اینکه شرکی در روی زمین نباشد.

بعد امام می‌فرماید:

كما قال الله: (يعبدونني و لا يشركون بي شيئا).

آنچه در سوره دیگر آمده: «يعبدونني و لا يشركون بي شيئا» همان «حتى لا تكون فتنه و يكون الدين كله لله» است.

بنابراین این آیه به خوبی دلالت بر این مدعا دارد. هم خود آیه و هم با توجه و ضمیمه کردن روایاتی که در ذیل این آیه و آیات دیگر آمده است.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين

[1] انبياء (21)، آیه 35.

[2] سورة انفال (8)، آیه 25.

[3] سورة صافات (37)، آیه 63.